

نقش شوهران در تربیت فرزندان



هنگام تولد کودک در اتاق انتظار می‌مانند، تعویض پوشک یا گرم کردن بطری شیر را هرگز به عهده نمی‌گیرند، پای خود را به مهدکودک نمی‌گذارند و تربیت فرزند را تقریباً به طور کامل به همسرانشان می‌سپارند. این پدران افسانه‌ای که به ایفای نقش اختصاصی نان‌آور خانواده سرگرم بودند، الگویی مقتدر اما دور از دسترس برای فرزندان خود بوده و بندرت شرکای فعالی در تربیت فرزندانشان محسوب می‌شدند.

سلامت نیوز: هنگام تولد کودک در اتاق انتظار می‌مانند، تعویض پوشک یا گرم کردن بطری شیر را هرگز به عهده نمی‌گیرند، پای خود را به مهدکودک نمی‌گذارند و تربیت فرزند را تقریباً به طور کامل به همسرانشان می‌سپارند. این پدران افسانه‌ای که به ایفای نقش اختصاصی نان‌آور خانواده سرگرم بودند، الگویی مقتدر اما دور از دسترس برای فرزندان خود بوده و بندرت شرکای فعالی در تربیت فرزندانشان محسوب می‌شدند.

به گزارش سلامت نیوز به نقل از راسخون؛ پژوهش‌ها نشان می‌دهد که تاثیر پدر بر فرزند ماندگار است و کودکان براستی به پدر نیاز دارند، اما به یاد داشته باشید وجود هر پدری مفید نیست. زندگی کودکان تحت تاثیر پدرانی که از نظر عاطفی حضور دارند، برای فرزندان خود ارزش قائل می‌شوند و در ناراحتی‌ها و نگرانی‌ها می‌توانند فرزندانشان را آرام کنند بسیار بهتر می‌شود اما در عوض پدرانی که خشونت می‌ورزند، عیب‌جو هستند، فرزند خود را تحقیر می‌کنند یا از نظر عاطفی سرد هستند می‌توانند بشدت به فرزند خود آسیب برسانند.

مدت‌هاست که روان‌شناسان بر این باورند که دخالت و نقش پدر در بزرگ کردن فرزند بسیار مهم است شواهد روزافزون علمی حاکی از آن است که پدرهای علاقه‌مند بویژه آنهایی که از نظر عاطفی در دسترس هستند، در خوشبختی فرزندانشان نقش منحصر به فردی را ایفا می‌کنند.

بسیاری از پژوهشگران معتقدند که پدرها به طور عمده از طریق بازی بر فرزندانشان تاثیر می‌گذارند. آنان معمولاً بازی‌هایی را انجام می‌دهند که با فعالیت بدنی و هیجان بیشتری همراه است. همچنین پدرها بیشتر با صداهای ضربه‌ای توجه نوزاد را جلب می‌کنند و شلوغ‌بازی‌های بیشتری در بازی‌ها انجام می‌دهند که این نوع روش شلوغ و بی‌نظم پدر در بازی راه مهمی را باز و به کودک کمک می‌کند تا درباره عواطف بیاموزد.

کودکانی بهترین مهارت‌های اجتماعی را در خود پرورش می‌دهند که پدرانشان بر هم‌کنش مثبتی با آنها دارند و اجازه می‌دهند که کودک خود مسیر بازی را تعیین کند. برخی پدران در نقش راهنمایان عاطفه هستند. آنها عواطف منفی کودک را نادیده نمی‌گیرند یا با آن مخالفت نمی‌کنند، بلکه به فرزندانشان نشان می‌دهند که آنها را درک و سپس آنها را راهنمایی می‌کنند تا نسبت به احساسات منفی خود واکنش مناسبی نشان دهند.

طبق بررسی‌ها، کودکانی کم‌ترین نمرات و بدترین روابط اجتماعی را دارند که پدرانشان سرد، قدرت‌طلب، ستیزه‌جو و مداخله‌گر بودند. در یک تحقیق پژوهشگران متوجه شدند پدرانی که طی یک تمرین بازی ویدئویی فرزندانشان را مسخره و تحقیر می‌کردند و برای اشتباهاتشان آنها را سرزنش می‌کردند یا کنترل بازی را خود به دست می‌گرفتند و به کودکان نشان می‌دادند که بی‌کفایت هستند، فرزندانشان بیشتر از بقیه دچار مشکل بودند. این بچه‌ها با دوستانشان رفتارهایی ستیزه‌جویانه داشتند، در مدرسه ناموفق‌تر از دیگران بودند و مسائلی داشتند که معمولاً به بزهکاری و خشونت در آنان منتهی می‌شد.

به طور کلی در مقایسه با واکنش‌های پدر، کیفیت ارتباط با مادر آن‌قدر در موفقیت یا شکست آینده فرزندان در مدرسه و با دوستانشان سرنوشت‌ساز نیست. شاید بتوان گفت علت این تاثیر شدید پدر بر فرزند این است که رابطه پدر فرزند عواطف بسیار قدرتمندی را در کودک بر می‌انگیزد.

نقش پدر در رشد هویت جنسی فرزندان

محققان مسائل جنسی معتقدند که تاثیر پدر بر رفتار جنسی کودک بیش از تاثیر مادر است، البته در اینجا جنسیت معنایی فراتر از

سکس دارد. این مساله نه تنها شامل خصوصیات جسمی و تغییرات کودک در حال رشد است، بلکه احساسات و رفتارهای مرتبط با این خصوصیات فیزیکی را هم شامل می‌شود. کیفیت رفتار پدرا نه با یک فرزند پسر مهم‌ترین عاملی است که دید وی را از مذکر بودن خویش شکل می‌دهد.

در اینجا منظور از مذکر بودن خشونت، سلطه‌طلبی، جسارت، ناآرامی و پرسروصدا بودن نیست بلکه مذکر بودن به معنای قاطعیت، مثبت بودن، مسوولیت‌پذیری، منطقی بودن و توانایی ایجاد تغییر در موقعیت‌های سخت است که این توانایی‌های اساسی فقط بر پایه تربیت صحیح، محبت و توانایی عشق ورزیدن استوار است.

پدری که با وجود ویژگی‌های مردانه بسیار محبت، تشویق یا تربیتی از خود نشان نمی‌دهد ممکن است رفتار غیرمردانه‌ای در پسرش ایجاد کند. همچنین تحقیقات نشان می‌دهد که پدران ممکن است بیش از مادران در رشد هویت جنسی سالم دختران نقش داشته باشند. آنان آگاهانه یا ناآگاهانه رشد جنسی دختر خود را تقویت می‌کنند اگرچه ممکن است خودشان (پدران) از میزان تأثیری که بر تربیت زنانه دخترانشان می‌گذارند، آگاه نباشند.

یک پدر پرورش‌دهنده می‌تواند تأثیر بسیار مهمی بر رشد زنانگی دختر خود داشته باشد به عنوان مثال دخترانی که در خانه‌هایی رشد کرده‌اند که مادر مسلط و پدر منفعل بوده، در تصمیم‌گیری‌ها شرکت و نقش تربیتی به عهده نداشته است. در آینده با مردان دچار مشکل می‌شوند.

پس پدران بکوشید:

برای فرزندان‌تان حضور عاطفی و فیزیکی داشته باشید

در دوران باستان پدر از طریق جنگیدن و شکار کردن از فرزندانش حمایت می‌کرد. طی قرن‌ها این نقش به نان‌آور تبدیل شد. او از طریق کار کردن پول به دست می‌آورد تا برای حفظ امنیت فرزندانش قسط‌های منزل، مخارج خورد و خوراک و شهریه دانشگاه هزینه کند، اما امروز بار دیگر نقش پدر در آستانه تغییر است تا سطح دیگری از حمایت را برای فرزندانش فراهم آورد و در نتیجه این حمایت فرزندش از نیروهای مخربی مانند دار و دسته‌های خلافکار،

مواد مخدر و هرزگی جنسی حفظ شود. علم به ما می‌گوید که دیگر همه روش‌های سنتی نمی‌تواند مشکل‌گشا باشد. امروزه ایمنی فرزندان از قلب پدران‌شان بر می‌خیزد و بر این پایه استوار است که مردها باید علاوه بر حضور فیزیکی در خانه، حضور عاطفی نیز داشته باشند. هر چند پدرانی که گرفتار کار هستند و ساعت‌های زیادی را صرف شغل خود می‌کنند کمتر در فعالیت‌های پدری مشارکت دارند. در جریان رشد فرزندان‌تان باشید

بررسی‌های انجام شده درباره مادران شاغل نشان داده که کیفیت رابطه مادر فرزند تأثیر بیشتری بر کودک دارد تا مقدار زمانی را که مادر و فرزند در کنار یکدیگر می‌گذرانند، منطقی به نظر می‌رسد که همین وضعیت درخصوص پدران هم صدق می‌کند.

اگر پدران آگاهانه تلاش نکنند که بخشی از زندگی روزانه فرزندانشان باشند بتدریج از آنان دور خواهند شد و جزئیات ظریف از دیدشان پنهان خواهد ماند اگر پدران آگاهانه تلاش نکنند که بخشی از زندگی روزانه فرزندانشان باشند، بتدریج از آنان دور خواهند شد و جزئیات ظریف از دیدشان پنهان خواهد ماند. برای مثال ممکن است پسر، پدر توانایی داشته باشد، اما این پدر در دسترس او نباشد یا کیفیت رابطه پدر و پسر منفی باشد. در اینجاست که توانایی پدر بر رشد فکری پسر تأثیری نخواهد داشت.

در حقیقت با انجام کارهای سنتی به اصطلاح زنانه (مانند غذا دادن به کودک) است که مردان به عنوان عضوی منسجم و ضروری برای خانواده به شمار می‌آیند. پدرها باید به این مهم توجه داشته باشند که زندگی خانوادگی فقط برآورده کردن نیازهای مادی خانواده نیست، بلکه حضور هر روز و برآورده ساختن نیازهای عاطفی و جسمانی به طور همزمان در تربیت فرزند نقش بسزایی دارد.

درحالی‌که کودکان بزرگ می‌شوند و در فعالیت‌های بیشتری در خارج از خانه شرکت می‌کنند، شاید برای پدرها دشوار شود که فرصتی را بیابند تا با فرزندانشان تنها باشند، به پدران توصیه می‌شود به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنند که بتوانند با فرزند خود اوقاتی را به تنهایی بگذرانند.

شاید این فرصت هفته‌ای یک‌بار به دست بیاید، یا همان مدت زمانی باشد که شما فرزندان را با خود به کلاس می‌برید. به هر حال گفتگویی دوفره با فرزند در هر سنی بسیار ارزش است.

ضرب‌المثلی می‌گوید: #171; برای بزرگ کردن یک بچه به یک قوم نیاز است.« پس بکوشید با آدم‌هایی که در زندگی روزانه

فرزندتان نقش دارند، آشنا شوید از جمله دوستان و والدین دوستان او. در خانه‌تان را روی هم‌کلاسی‌های فرزندتان بگشایید، داوطلب رساندن فرزندتان به مهمانی‌ها و زمین ورزش آنان شوید. به علاقه‌مندی‌ها و نگرانی‌هایشان گوش کنید و با آنها هماهنگ شوید. سرانجام این‌که درک کنید هر زمان در کنار خانواده‌تان هستید، بارها و بارها فرصت دارید که با فرزندتان ارتباط برقرار کنید یا از آنها فاصله بگیرید و در این‌جا شما باید که انتخاب‌کننده هستید.

تعادل میان زندگی شغلی و زندگی خانوادگی

برای بسیاری از مردان، یافتن وقت و انرژی کافی برای فرزندان به این معناست که کمتر در اختیار شغلشان باشند، چرا که برای اغلب پدران شاید دشوار و ناممکن باشد که با ساعات زیاد کاری در هر هفته و فشارهای شدید شغلی، از لحاظ عاطفی و جسمی در کنار فرزندان نیز باشند. در واقع حل این تضاد برای مرد که هویت اصلی او نان‌آور بودن خانواده است، کار ساده‌ای نیست.

مردان چنین تربیت شده‌اند که باور کنند سختکوشی و ساعات‌های طولانی کارکردن نشانه تعهد به خانواده است، اما اکنون مردان باید بدانند که اگر تغییر نکنند، باید خطر دور افتادن از همسر و فرزندان را یعنی همان افرادی که به خاطرشان کار معنا پیدا می‌کند را بپذیرند و گاهی لازم می‌شود که آنان دستاوردهای مالی و شغلی خود را فدا کنند تا به تعادل بهتری بین کار و زندگی خانوادگی برسند.

به طور کلی، سالم‌ترین محیط خانوادگی محیطی است که در آن پدر به عنوان فردی قوی، پرورش‌دهنده و مردانه نسبت به فرزندان و مادر آنها عمل کند، مادر نیز به عنوان زنی با طبیعت زنانه نسبت به فرزند و پدر خانواده رفتار کند. این هدفی است که آرزو می‌کنم، پدران برای تحقق آن در خانه‌هایشان کوشش کنند.